



جامعیت علمی علامه طباطبایی در المیزان مشهود است/ ادراکات اعتباری از نظرات خاص علامه

یک استاد حوزه و دانشگاه با بیان اینکه بحث ادراکات اعتباری در اصول فلسفه و روش رئالیسم یکی از نوآوریهای علامه طباطبایی و از ابتکارات فکری و فلسفی ایشان شمرده می شود...

یک استاد حوزه و دانشگاه با بیان اینکه بحث ادراکات اعتباری در اصول فلسفه و روش رئالیسم یکی از نوآوریهای علامه طباطبایی و از ابتکارات فکری و فلسفی ایشان شمرده می شود، گفت: جامعیت علمی علامه طباطبایی در المیزان مشهود است. حجت الاسلام والمسلمین محسن غرویان استاد حوزه و دانشگاه در گفتگو با خبرنگار مهر در مورد جایگاه و شخصیت علامه طباطبایی گفت: شخصیت و جایگاه علامه طباطبایی را باید براساس دانش و معرفت ایشان بسنجیم. علامه طباطبایی شخصیت جامع علمی داشتند و در علوم عقلی و نقلی تسلط کامل داشتند و از شاگردان مرحوم سیدعلی آقای قاضی طباطبایی در عرفان بودند. جامعیت علمی ایشان جایگاه ایشان را تعیین می کند.

وی افزود: تفسیر المیزان، جامع ترین تفسیر قرآن تلقی می شود و کتابهای فلسفه ایشان - بداية الحکمة و نهاية الحکمة - متن درسی فلسفه اسلامی است. حواشی ایشان بر اسفار صدر المتألهین و کتابهای فلسفی مختلفی که نوشتند بُعد عقلی ایشان را نشان می دهد. ایشان در فقه و اصول نیز مجتهد مسلم بودند و رساله هایی در مباحث فقهی، اصولی و کلامی نوشتند.

وی در مورد ویژگیهای تفسیر المیزان بیان کرد: ما معتقدیم آیات قرآن برای همه زمانها قابل استفاده است و تفسیرهای مختلف و استنباطهای مختلف متناسب با زمان و مکان از آیات قرآن امکان دارد. علامه طباطبایی با احاطه وسیع علمی که داشتند تفسیری را ارائه کردند که کاملا نشان می دهد که آیات قرآن متناسب با هر عصر و زمانی قابل برداشت و تفسیرهای کاربردی است و این همان گستردگی بطون قرآن است که باید توسط مفسرین عمیقی مانند علامه طباطبایی سؤالاتی مطرح شود و پاسخ آن سؤالات را از آیات قرآن بگیریم.

وی تصریح کرد: این کار را علامه طباطبایی با اطلاعات وسیع که در علوم فلسفی و انسانی و علوم عصر خودشان داشتند انجام دادند و سؤالات و پرسشهایی را مطرح کردند و پاسخ آنها را از قرآن گرفتند و محصول تفسیر المیزان شد.

غرویان در ادامه سخنانش اظهارداشت: به هر حال علامه طباطبایی، دانشمند اسلامی و اسلام شناس جامع بودند که جایگاه ویژه ای به ایشان بخشیده است و از نظر تفکر فلسفی ایشان از خریجهای (فارغ التحصیل) مکتب ملاصدرا هستند، ولی به هر حال خودشان هم صاحب ابتکارات و نظرات فلسفی ویژه ای هستند. به هر حال می توانیم به این معنا ایشان را نوصدرایی بدانیم و یکی از وجوه این تسمیه و نامگذاری نیز این است که ایشان با مکتبهای جدید فکری مثل ماتریالیسم دیالکتیک و تفکرات مارکسیستی و کمونیستی و مبانی فلسفی آنها آشنا بودند و بر آنها نقد نوشتند که کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» در این زمینه است که شاگرد ایشان، شهید مطهری این کتاب را با تعلیقات و پاورقی ها کامل کردند که یکی از بهترین آثار فلسفه تطبیقی و مقایسه ای است و ایشان براساس آن مشرب حکمت صدرایی پاسخ بسیاری از شبهات فلسفی ماتریالیسم دیالکتیک را دادند.

غرویان با اشاره به اینکه علامه طباطبایی با جهان غرب هم آشنا بودند، تصریح کرد: از طریق پروفیسور هانری کربن با بسیاری از افکار فلسفی مغرب زمین و اروپا آشنا شدند و در غرب هم افکار و اندیشه های ایشان انعکاس پیدا کرد. اینها در مجموع نشان دهنده تفکر نوصدرایی ایشان در زمان خودش بوده است.

عضو هیئت علمی جامعه المصطفی (ص) العالمية بیان کرد: همان طور که اشاره کردم تفسیر ایشان، تفسیر جامعی است. هم بحثهای فلسفی و هم بحثهای روایی و هم بحثهای تفسیر قرآن به قرآن در آن منعکس است و هر کجا که لازم بوده ایشان حتی به مباحث سیاسی - اجتماعی و علوم اجتماعی و علوم انسانی پرداختند و درست است نمی توان گفت تفسیر المیزان، تفسیری فلسفی است ولی به نظرم آنجایی که مباحث فلسفی در تفسیر آیات لازم بوده است به نحو مستوفی آنها را مطرح کردند.

وی افزود: بنده در بحثهای فلسفی علامه طباطبایی که از دیدگاه قرآن و عترت دارند در بسیاری از موارد از تفسیر المیزان و بحثهای فلسفی ایشان استفاده کردم، از جمله اشاره به بحثهای علامه طباطبایی ذیل آیه «سُبْحَانَ الَّذِي يَبْدِئُ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ» است که بنده هم از همین آیه بحث فلسفی جدیدی را استنباط کرده ام یعنی اصالت ملکوت و بسیاری از مطالب علامه

طباطبایی را هم که من در این زمینه نگاه کردم و از مؤیداتی که به نظرم رسیده استفاده کردم. علاقه مندان می توانند ذیل کلمه ملکوت که در حدود هشت - نه مورد از سور و آیات مختلف علامه طباطبایی بحث کردند مراجعه کنند.

حجت الاسلام غروی‌ان تصریح کرد: آقای دکتر سروش سالهای قبل بحثی را مطرح کرد و در کتاب «دانش و ارزش» آورد که بین هست و نیستها و باید و نبایدها رابطه منطقی وجود ندارد. باید و نبایدها از ادراکات عقل و حکمت عملی است که اینها اعتباریات است اما بحث هست و نیستها در حوزه حکمت و عقل نظری است و اینها ادراکات حقیقی است. علامه طباطبایی در مقاله ادراکات اعتباری معتقدند که بین ادراکات اعتباری و ادراکات حقیقی رابطه منطقی برقرار است یعنی به عبارتی بین حکمت عملی و حکمت نظری، ربط منطقی برقرار است و می توان با استنباط منطقی از هست و نیستها، باید و نبایدها را نتیجه گرفت یا به عبارتی حسن و قبح های عقلی ریشه حقیقی و تکوینی دارد که حالا بحث اینها مفصل است. مقاله مستقلى راجع به رابطه ادراکات اعتباری و حقیقی از دیدگاه علامه طباطبایی نوشته ام که به همت انتشارات شفق در کتاب مقالات فلسفی چاپ شده و علاقه مندان می توانند تفصیل بحث را در آنجا بیان کنند.

وی با اشاره به اینکه بحث ادراکات اعتباری در اصول فلسفه و روش رئالیسم یکی از نوآوریهای علامه طباطبایی و از ابتکارات فکری و فلسفی ایشان شمرده شده می شود، گفت: در آن زمان که در حوزه های علوم دینی کسی به این بحث نپرداخته بود و علامه طباطبایی این مبحث را با بیان عمیق علمی بیان کردند.